

روایت جواد علیزاده از
کار یکتاتور محمدرضا پهلوی



نمایشگاه آثار کارتون و کاریکاتور جواد علیزاده با عنوان «پایان» در حوزه هنری همزمان با ایلام دهه فجر برپا می‌شود. به گزارش ایسنا، جواد علیزاده کارتون‌ساز کشورمان در روزهای پیروزی انقلاب اسلامی نقش پررنگی داشت و با آثارش برگی پرافتخار در تاریخ مطبوعات ایران رقم زد. یکی از آثار شاخص و ماندگار این هنرمند، کاریکاتوری است از چهره محمدرضا پهلوی که با نام «پایان» در بهمن ۱۳۵۷ در روزنامه کیهان منتشر شد. روایت علیزاده از این طرح، خواندنی است: «تقریباً همه کاریکاتوریست‌ها از روش‌های این بود که بتوانند کاریکاتوری از چهره شاه بزنند؛ وقتی انقلاب شد این آرزو برآورده شد و همه ما یک تصویر ذهنی از شاه داشتیم و توانستیم این طرح‌ها را به شکل کاریکاتور ارائه کنیم. این طرح در زمان پیروزی انقلاب در روزنامه کیهان چاپ شد. مفهوم پایان، بیشتر در ارتباط با فیلم‌های سینمایی موضوعیت داشت و من نیز می‌خواستم بگویم شاه به پایان دوره‌اش رسیده است. برخی‌ها وقتی این کاریکاتورها چاپ شد، به ما می‌گفتند که شاه برمی‌گردد و هراس داشتند. من این کار را با روان‌نویس پنتل ژاپنی کار کردم. هنوز دوره کار کردن با او پدید شروع نشده بود. این طرح‌ها خیلی زود جای ثابتی در روزنامه پیدا کرد و از صفحات داخلی (صفحه افکار عمومی) به صفحه آخر روزنامه منتقل شد که هنوز این سنت در بعضی از روزنامه‌ها تکرار می‌شود.» نمایشگاه آثار کارتون و کاریکاتور جواد علیزاده با عنوان «پایان» یکشنبه ۱۷ بهمن ماه ساعت ۱۱ در گالری عالی افتتاح می‌شود.

واکنش به یک نقد و دو نمایش

هنر فردگرا / هنر جمع‌گرا



احسان زبور عالم

مقدمه: چند روزی است سخنان مشهور یوسف ابادری در جلسه‌ای پیرامون مرتضی پاشایی، خواننده پاپ دست به دست می‌شود. جایی در جدال ابادری با خبرنگارسانتیمانتال مینی بر اینکه او حق دارد هر موسیقی که دوست دارد گوش دهد، ابادری به او می‌گوید: «این ایمازی است که فقط افراد ساده‌دلی مثل شما ممکن است باور کنند. میلیون‌ها مدل ساخته‌اند که شما محکومید بر مبنای آن زندگی کنید. فکر می‌کنید دارید انتخاب می‌کنید.» استدلال ابادری همین امروز در جهان غرب جنجال به پا کرده است. شرکت اسپاتیفای ونیل یانگ، خواننده نوازنده شهیر راک، بر سر پادکست جنجالی جو روگن دچار مشکل شدند. روگن با دعوت از رابرت ملون و صحبت‌های علیه واکسیناسیون کرونا، موجب خشم نیل یانگ می‌شود. یانگ از اسپاتیفای می‌خواهد پادکست مذکور را پاک کند و در مخالفت اسپاتیفای، یانگ امتیاز پخش آهنگ‌هایش از اسپاتیفای را ملغی کرده است. اسپاتیفای اسپانسر برنامه روگن است و سود فروش پادکست روگن میلیون‌ها دلار فراتر از سود فروش آثار نیل یانگ است. حال در غرب این بحث پیش آمده که پلتفرم اسپاتیفای دیگر یک سرویس استریم موسیقی نیست که شما آزادانه در آن موسیقی گوش دهید، بلکه اسپاتیفای یک غول فناوری است که ایمازی از آزادی برای شما پدید می‌آورد و در نهایت محصولات خودش را به شما می‌فروشد.



یک: چند روز پیش، حسین رسولی، ناقد شناخته‌شده تئاتر در صفحه شخصی خود درباره نمایش «هیچ میان ما» در نقد فردگرای حاکم بر نمایش، بار دیگر بر موضع «کنونیت» خود تأکید کرد. رسولی معتقد است باید در زمانه حاضر اثر بازتابی از کنون ما داشته باشد و نسبت محکمی با جامعه پیدا کند؛ اما به نظر می‌رسد نمایش سیاوش پاکراه بیش از آنکه بازتابی از جامعه باشد، واکنشی بیرونی نسبت به وضعیت درونی هنرمند است. رسولی با اشاره به کولاز بدن محور پاکراه، تپه بودن آن از کنون را نوعی بی‌معنایی فرض می‌کند که محصول میل شخصی و حوصله مخاطبی است که سرمی‌رود. وضعیت برای نمایش «هارادونا»ی مهران رنجبر نیز مشابه است با وضعیت مدنظر رسولی، برداشت شخصی و سوسورنال رنجبر از ستاره آرژانتینی فوتبال، کولازی

ناهمگون است از خیال و واقعیت که شاید با وجود بیان انگیزه‌های انقلابی و اجتماعی مارادونا، آن همه نکات درونی پاشایی است و هیچ ارتباطی با دنیای بیرون او ندارد. هنر پاشایی -باز- چه ارتباطی با هم دارند؟ همه چیز پادکست روگن در اسپاتیفای، محصولی که توسط یک نظام سلطه‌گر بر بازار عرضه می‌شود و این توهم را برای من و شما پدید می‌آورد که با آزادی کامل آن رانتخاب می‌کنیم. انگاشت آزادی که از قضا محتوایش حتی ارتباط چندانی با دنیای ما رستی ماندارد.

سده: البته مادر مقامی نیستیم که فردیت هنرمند را زیر سؤال ببریم. هنرمند مختار است و حق بیان منویات درونی خویش دارد؛ اما هنر بروز داده شده، قضاوت می‌شود و این یک واقعیت اجتماعی است. هنر فردی در امری جمعی به نظاره گذاشته می‌شود و به

محض آغازش پیچیده‌ها نواخته می‌شود. در مواجهه با دواثر پاکراه و رنجبر، پس از پایان تماشای نمایش شاهد قضاوت‌های متعددی بودیم؛ از تمجید زیبایی تا تکفیر خودشیفتگی؛ اما مسأله اصلی در نهایت همین وضعیت اجتماعی است. در «هیچ میان ما» به نظر می‌رسد بدن در خدمت بازنمایی کامل بشری است، از انسان غارنشینی که برای بیانگری از بدن استفاده می‌کند تا انسان امروزی که زبان کلامش بر زبان بدنش چیره شده است. این وضعیت اما در نگاه هنرمند انتزاعی و معمایی است. با این حال خود بدل به استعاره‌ای از خویش هم می‌شود. اینکه مخاطب پیش از تماشا زبانش بدن است و به محض خروج زبانش، کلام.

حتی مارادونای فردی رنجبر هم استعاره خود هنرمند می‌شود. مارادونا که در مقام ستاره روی صحنه محاکمه می‌شود، پس از محاکمه، عامل محاکمه خالقش می‌شود. محاکمه امری جمعی است. انگاشت ما از جهان قضاوت می‌شود و مهمتر از همه، بدل به «کنون» به نوعی گریز هنرمند از کنونیت مدنظر رسولی، خود به «کنونیت» مبدل می‌شود. وضعیت انتزاع هنرمند از کنون جامعه، استعاره‌ای از گسست اجتماعی ماست. گسستی که از دل باز تولید انگاشت آزادی از سوی نظام سلطه‌ای چون اسپاتیفای رقم می‌خورد.

پنج: وضعیت پیچیده است. غامض می‌شود و ما را در خود فرو می‌برد. ما تلاش می‌کنیم بر فردیت خویش پافشاری کنیم، می‌خواهیم خودمان باشیم. می‌خواهیم سوژه‌ای باشیم که به ایزه‌ها نگاه می‌کنیم و تفسیری از هر ایزه‌ای، برای خودمان داشته باشیم؛

ما تلاش می‌کنیم بر فردیت خویش پافشاری کنیم. می‌خواهیم خودمان باشیم. می‌خواهیم سوژه‌ای باشیم که به ایزه‌ها نگاه می‌کنیم و تفسیری از هر ایزه‌ای، برای خودمان داشته باشیم؛ ولی نتیجه چیست؟

ولی نتیجه چیست؟ از «هیچ میان ما» مثال می‌آورم. پاکراه همراه با شرایط امروز تئاتر به سرعت بدن رفته است. تعداد آثار بدن محور در سال‌های اخیر به کسرات افزایش یافته است. تعداد کارگردانی که به بدن و نمایش بدن به مثابه امر دراماتیک روی می‌آورد، افزوده می‌شود. این اتفاق برای «هارادونا» نیز رخ می‌دهد. اگر مالک قضاوت ما ابادری باشد، آیا این وضعیت انگاشتی از آزادی هنرمند در انتخاب فرم نمایشی نیست؟ آیا او در میل عمومی و البته تزیین فکر از سمت بازار، تمایل به بدن انگاری برای درام پرداز می‌سوق نیافته است؟ کمی هم سخت‌گیرانه تر پیش روییم، آیا نشان دادن بدن به مثابه بازنمایی ذهن هنرمند، خود دلالت بر ایزه‌کنی شدن سوژه ندارد؟ آیا در نهایت ما سوژه‌های از همه جا با خبر خود بدل به ایزه‌های تفسیر پذیر نمی‌شویم؟ در این تفسیر پذیری خارج از انقیاد ما، ما چه می‌شویم؟ آیا این نسبتی با آزادی پدید می‌کنیم؟ آیا این وضعیت بغرنج خود بدل به یک امر امروری، «کنونیت» نمی‌شود؟ مجال سخن اندک است و گفتار خود پیچیده ولی پدیده‌ها اموری ساده نیستند و نقش ما در این میانه روشن نیست.

تئاتر

داوران نمایش‌های خیابانی جشنواره تئاتر فجر معرفی شدند



سه‌داور، نمایش‌های خیابانی چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر از زبانی می‌کنند. به گزارش ایلنا، فاتح بادیپرو، فاطمه ادمنش و سلیمان فرخنده نمایش‌های بخش خیابانی جشنواره تئاتر فجر را داوری می‌کنند. فاتح بادیپرو، متولد ۱۳۵۰ در شهر میروان بازیگر و کارگردان است. از جمله فعالیت‌های او داوری جشنواره استانی کردستان، داوری و بازیگری بین‌المللی تئاتر خیابانی مریوان، چهار دوره داوری و بازیگری نمایش‌های خیابانی منطقه ای و رییس انجمن نمایش میروان است. فاطمه رادمش، متولد سال ۱۳۶۲ در کرمان و بازیگر است. او فارغ‌التحصیل کارشناسی بازیگری و کارگردانی از دانشگاه سینما تئاتر دانشگاه هنر و کارشناسی ارشد بازیگری از دانشگاه تربیت مدرس است. فعالیت خود را از سال ۱۳۷۲ شروع کرد و تا به حال جوایزی را برای نویسندگی کارگردانی و بازیگری از جشنواره تئاتر فجر دریافت کرده است. سلیمان فرخنده، نویسنده و کارگردان، بازیگر متولد ۱۳۶۱ و دارای مدرک تحصیلی در رشته بازیگری و کارگردانی تئاتر است. چندین نمایش را روی صحنه برده و از فعالان تئاتر خیابانی است. فرخنده از اوایل دهه هشتاد در عرصه تئاتر فعالیت می‌کند. چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر از ۱۴ تا ۲۶ بهمن به دبیری حسین مسافر آستانه برگزار می‌شود و اخبار آن در سایت fif.ir در دسترس است.

به مناسبت هفتاد و هفتمین زادروز یک نویسنده ایرلندی

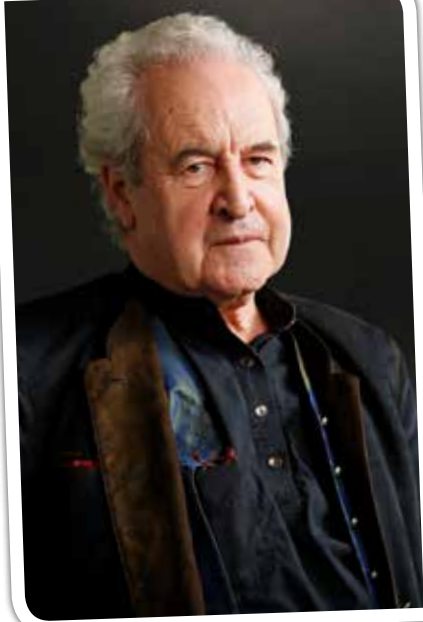
جان بنویل یا بنجامین بلک

نسترن خسروی

جان بنویل یکی از شناخته‌شده‌ترین نویسندگان جمهوری ایرلند است که خوانندگان او را با رمان‌های درون‌گرایانه و رئالیستی و همچنین رمان‌های پلیسی با نام مستعار بنجامین بلک می‌شناسند. آثار بنویل و بلک از دیدگاه غنا و کیفیت تفاوتی با هم ندارند اما به گفته خود نویسنده، نوشتن رمان‌های بنویلی فرایندی بسیار کند است و جملات و حتی کلمات این رمان‌ها با وسواس ویژه و زبانی شعرگونه کنار هم گذاشته می‌شوند. به اعتراف خود نویسنده، فضای حاکم بر آثار و سنت ادبی که او خود را به آن وابسته می‌داند کاملاً اروپایی است و وقایع داستان‌های او نیز اغلب در بیش از یک کشور اروپایی رخ می‌دهند. در رمان‌های بنویل گاهی با ماجراهای مرموز و سرگذشت‌هایی کمتر محتمل مواجه می‌شویم که لذت‌بخش است. او را دو چندان می‌کند. نکته قابل توجه در سبک داستان‌گویی بنویل این است که او اتفاقات تریک یا عجیب اماممکن را به شکلی کاملاً باورپذیر ارائه می‌کند. تصاویر و شرح او از محیط و کنش‌ها هم‌زمان آشنا و غریب است، گویی آنچه را که همواره به صورت نیمه‌خودآگاه در ذهن داشته‌ایم اما هرگز به آن فکر نکرده‌ایم برای ما آشکار می‌کنند. با این وجود، بنویل رمان‌های خود را روان‌شناسانه نمی‌داند و در مصاحبه‌هایش خود را الهام‌دهنده‌ی رمانتیسیم و تحت تأثیر مستقیم رالیسم

سرگذشت ویکتور مسکل در رمان «لمس نشدنی» است. در عین حال، بنویل از اشاره کردن به فجایعی مانند جنگ، آتش‌سوزی، قتل، ضربات روحی مادر گار، مرگ فرزند یا یتیم شدن کودک‌کان و موضوعاتی از این دست ایایی ندارد و حتی گاهی آن‌ها را در کنار وقایع مضحک روزمره قرار می‌دهد و موقعیت‌هایی بکت‌وار می‌آفریند. واقع‌گرایی بنویل خود را به صورت حضور هم‌زمان پویایی و اضمحلال نشان می‌دهد. او گذر زندگی را از دید شخصیت‌هایی اغلب غیر قابل اعتماد و راوی اول شخص به تصویر می‌کشد و لحظه‌ای از پرداختن به احساسات و افکار آنی و پراکنده شخصیت‌ها در نمی‌ماند. نکته جالب توجه این است که بنویل رمان‌هایش را حول محور شخصیت‌ها نمی‌نویسد بلکه افراد یکی از عناصر موجود در جهان روایی او هستند و عناصر طبیعی مانند آب‌وهوا و حتی عناصر ساخته‌دست بشر، مثل یک ساختمان اهمیت برابر با شخصیت‌های انسانی در پیشبرد داستان دارند. بر همین اساس است که بنویل خود را یک پسانسان -گرمی خوانندگی- یکی از تفاوت‌های بارز بنویل با بسیاری از نویسندگان معاصرین است که او هیچ‌اصرازی ندارد. رمان‌رادر هاله‌ای از ابهام به پایان برسد و معمولاً سرانجام ماجراهای اصلی شخصیت‌ها را به شکلی صریح بیان می‌کند. سه‌گانه‌های بنویل نیز از همین جنس آشکار کردن سرنوشت‌انسان‌هایی هستند که گویی حداقل از راه‌رادر هدایت مسیر زندگی خود دارند و مرموز بودن زندگی‌شان نیز به همین ویژگی برمی‌گردد. نه به مبهم‌رها شدن پایان یک اتفاق.

سبک بنویل سبکی منحصر به فرد است که در طول نزدیک به چهار سال نویسندگی خلاق او شکل گرفته و ساختاری پر از گذشته‌نمایی (فلش‌بک) اما بسیار منسجم دارد. او معتقد است



زندگی نامنجم است و وقایع آن ترتیب و توالی مشخصی ندارند. چنان‌که گاهی در زندگی روزمره لحظات روشنگری را تجربه می‌کنیم اما واقعیت ژرفی که به آن پی برده‌ایم، به سرعت از ذهن مان پاک می‌شود گویی که هرگز آن را در نیافته‌ایم. در مقابل، هنر دارای انسجام ظاهری و درونی است و همین ویژگی است که هنر را بر خلاف زندگی دارای معنایی کند.

بین‌المللی در جشنواره موسیقی فجر با ۳۰ در صد ظرفیت سالن برای هر اجرا از طریق سایت فروش بلیت به نشانی اینترنتی www.honarticket.com پذیرای علاقه‌مندان است. سی و هفتمین جشنواره موسیقی فجر هم‌زمان و در گرامیداشت سالگرد دویزوی انقلاب اسلامی ایران از تاریخ ۲۲ تا ۲۶ بهمن ماه ۱۴۰۰ به دبیری حسن ریاحی در بخش‌های رقابتی (جایزه یاربد) و غیر رقابتی برگزار می‌شود و جایزه ترانه، جایزه موسیقی و رسانه و نشست‌های پژوهشی بر نامه‌های دیگر این دوره از جشنواره خواهد بود.

ظرفیت بلیت فروشی جشنواره موسیقی فجر ۳۰ درصدی شد
آغاز بلیت فروشی اجراهای صحنه‌ای
بلیت فروشی اجراهای صحنه‌ای سی و هفتمین جشنواره موسیقی فجر از چهارشنبه ۱۳ بهمن ماه آغاز شد. به گزارش ایلنا، بلیت فروشی تمامی اجراهای صحنه‌ای جشنواره موسیقی فجر از ۱۳ بهمن ماه، آغاز شد و سایت هنر

